



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز روز میلاد پر برکت امام هادی علیه الصلاة والسلام است که در سال ۲۱۲ هجری قمری به دنیا آمدند، تاریخ ائمه عليهم السلام بسیار آموزنده و مفید است و بر ما لازم است همانگونه که به روایات و فقه توجه داریم به تاریخ و فرهنگ و زمان و سیاست و روش و منش اهل بیت عليهم نیز توجه داشته باشیم و خودشان نیز مکرر فرمودند: "أحيوا أمرنا" که این فقط به فقه اختصاص ندارد و همچنین فرمودند: "لو أن الناس علموا محاسن كلامنا لأتبعونا" بنابراین همه ما باید توجه ویژه ای به تاریخ و فرهنگ اهل بیت عليهم السلام نیز داشته باشیم.

بعد از امام رضا علیه السلام تشیع روز به روز بهتر شناخته می شد لذا ما دو اثر مهم از امام هادی علیه السلام داریم یکی زیارت جامعه کبیره که تمام شئون اهل بیت عليهم السلام را ذکر کرده بلکه اصول اسلامی مثل توحید و نبوت و معاد و همچنین فروع اسلامی همگی در زیارت جامعه کبیره وجود دارند و تا آن زمان به این صورت از اهل بیت عليهم السلام تبلیغ نشده بود و به مردم شناسانده نشده بودند، دوم زیارت غدیر است که مفصل ترین زیارت ما می باشد و یک دوره کامل تاریخ و سرگذشت اسلام و اهل بیت عليهم السلام و جنگ جمل و صفین و نهروان و جریان فدک و غصب خلافت همگی در این زیارت عید غدیر بیان شده است.

حضرت هادی علیه السلام چند تن از خلفای عباسی را درک کرده، یکی از آنها متوکل عباسی است که

نسبت به اهل بیت عليهم السلام عداوت شدیدی داشت، حضرت هادی علیه السلام را در مجلس او که شرب خمر می کرد حاضر کردند، بالاخره به امام هادی علیه السلام اصرار کرد و گفت پس حالا نصیحتی کنی و شعری بخوانی و حضرت همان قصیده مشهور را خواندند که:

باتوا على قليل الاجبال تحرسهم / غلب الرجال فلم تنفعهم
القلل،

و استنزلوا بعد عز عن معاقلهم / و أودعوا حفراً يابئس ما
نزلوا،

ناداهم صرخ من بعد ما قبروا / أين الاسرة و التيجان و
الحلل،

أين الوجوه التي كانت منعمة / من دونها تضرب الأستار و
الكلل،

فافصح القبر عنهم حين ساء لهم / تلك الوجوه عليها الدود
يقتتل...^۱

حضرت امر به معروف و نهی از منکر را حتی در مجلس شراب متوکل هم ترک نکردند، خلاصه این بخشی از تاریخ امام هادی علیه السلام بود که به عرضتان رسید.

خب و اما عید غدیر را در پیش داریم، غدیر و مسئله سیاست و ولایت و امامت بعد از پیغمبر خدا صلوات الله علیه و آله خیلی مهم است و از ارکان اسلام می باشد، سوره مائده اینطور شروع می شود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۱، استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان می فرمایند این کلمه "أوفوا بالعقود" بسیار وسیع و بزرگ است و فقط مربوط به بیع و نکاح و اینها نیست، خود همین جریان غدیر و معرفی حضرت امیر علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین پیغمبر صلوات الله علیه و آله و بیعت مردم با

^۱ سوره مائده، آیه ۱.

حضرت یک عهد و پیمان است لذا باید به آن وفا کرد و چه عهد و پیمانی از این بالاتر که پیغمبر امر کند و حضرت امیر علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی کند و بعد مردم با حضرت بیعت کنند و پیمان ببندند، پس اول سوره مائده اینجور شروع می شود و اما بعد در آیه ۶۷ سوره مائده اینطور گفته می شود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۲، با توجه به اینکه حضرت امیر علیه السلام در جنگها و جهادها حکم خدا را اجرا کرده بود و بعضی ها را کشته بود از طرفی تعصب و کینه هائی در بین بعضی از مردم نسبت به حضرت وجود داشت و از طرفی پیغمبر خدا نامه هائی برای سلاطین دنیا مثل ایران و روم نوشته بود و آنها به اسلام دعوت کرده بود و اغلب نپذیرفته بودند و منتظر بودند تا پیغمبر از دنیا برود و حمله کنند و کلاً اسلام را نابود کنند و همچنین منافقین و مشرکین و یهود نیز در داخل مدینه بودند و همگی در کمین از بین بردن اسلام بودند، حالا در چنین روزگاری و با چنین شرایطی حضرت امیر علیه السلام توسط پیغمبر خدا به عنوان خلیفه و جانشین معرفی شد و پیغمبر کمی تأمل داشت لذا در آیه شریفه ذکر شده: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۲، پیغمبر ۲۳ سال رسالت داشتند اما در آیه ذکر شده که اگر امام و رهبر و جانشینی برای خودت مشخص نکنی به رسالت خودت عمل نکرده ای واقعا آیه بسیار

^۲ سوره مائده، آیه ۶۷.^۳ سوره مائده، آیه ۶۷.^۴ سوره مائده، آیه ۳.

عجیب است، و اما در آیه سوم از همین سوره مائده نیز اینطور گفته شده: ﴿الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۴، آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه چندین صفحه در مورد همین کلمه "اليوم يابس الذين كفروا من دينكم" بحث کرده چراکه دشمنان خارجی و داخلی با خود فکر می کردند با توجه به اینکه پیغمبر پسری ندارد اگر از دنیا برود جانشینی ندارد و اسلام کلاً نابود خواهد شد برای همین منتظر بودند حضرت از دنیا برود و چراغ اسلام کلاً خاموش شود لذا وقتی حضرت امیر علیه السلام به عنوان جانشین پیغمبر معرفی شد کفار نا امید شدند بنابراین ما قبل از "اليوم اكملت لكم دينكم" باید به "اليوم يابس الذين كفروا من دينكم" توجه داشته باشیم، این غدیر است غدیر خیلی عظمت دارد در صحیفه نور در چند مورد امام رضوان الله عليه در روز عید غدیر صحبت کرده اند و مطالب فراوانی را بیان فرمودند من جمله اینکه فرمودند مردم باید بدانند این برای حضرت امیر علیه السلام یک مقام و منقبت بالایی نیست بلکه مناقب ائمه روحی و باطنی هستند که در هر صورت دارند چه منصوب باشند یا نباشند و چه مردم بپذیرند یا نپذیرند، اما از جهت ظاهر و سیاست اسلامی این بسیار مهم است که حضرت امیر علیه السلام از طرف پیغمبر خدا به عنوان جانشین معرفی و منصوب شدند و اگر انحراف بوجود نیامده بود عظمت و قدرت اسلام و مسلمین غیر از این بود، امروز ما می بینیم در میانمار مسلمانان را فقط به جرم مسلمان بودن می کشند و بعد می سوزانند که معلوم نشود چقدر کشته اند و

بسیاری از آنها نیز آواره شده اند و به کشور بنگلادش پناه برده اند اما متأسفانه دنیا و سازمان ملل فقط محکوم کرده اند! امروز شاهد نسل کشی مسلمانان مظلوم میانمار هستیم و موضوع غم انگیزتر آن است که مدعیان دروغین حقوق بشر این جنایات را می بینند و سکوت مرگبار اختیار کرده اند، امروز سران کشورهای اسلامی وظیفه سنگینی نسبت به این جنایات دارند و باید به کمک این مسلمانان مظلوم بشتابند، خلاصه انحرافات که بعد از پیغمبر در مسئله خلافت و رهبری پیش آمد باعث خیلی از پیامدهای منفی شد و تا به حالا ادامه دارد بنابراین غدیر باید به همه شناسانده شود و ما باید اهمیت و ارزش بسیار بالائی برای غدیر قائل باشیم.

خب و اما بچثمان در ارث بود، مقدماتی را به عرضتان رساندیم و یکی دیگر از مقدماتی که امروز عرض می کنیم این است که در مسئله ارث مردم در کل دنیا فطراً و ارتکازاً می دانستند که اگر کسی بمیرد اینطور نیست که مالش را به هرکسی بدهند بلکه باید به اشخاص خاصی داده شود یعنی باید به افرادی داده شود که تا حدی بقاء وجود انسان حساب شوند، حالا برخی گفتند به خانواده می رسد و کسی که خانواده را حفظ می کند و قدرت دارد پسر بزرگ می باشد و برخی دیگر گفتند به رئیس قبیله مربوط است و اوست که حافظ خانواده و قبیله می باشد، خلاصه آنچه که در بین همه مردم چه در ایران و چه در هند و یونان و دیگر جاها مسلم بود این بود که به زنها و بچه ها ارث نمی رسد زیرا اینها از متعلقات میت بودند که در واقع میت آنها را اداره می کرد و حالا که از دنیا رفته باید به کسی بدهند که خانواده و قبیله را حفظ کند لذا یا باید

به رئیس قبیله بدهند یا به پسر بزرگ، بنابراین تحولی که قران و اسلام در مسئله ارث بوجود آورد همین بود که فرمود: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^۱، یعنی از نظر اسلام فرقی بین زن و مرد و بچه در مسئله ارث وجود ندارد.

اسلام افرادی که ارث می برند را به سه طبقه تقسیم کرد: طبقه اول: أبوان و اولاد، طبقه دوم: إخوة و أجداد، طبقه سوم: أعمام و أخوال، در واقع اسلام به ولادت و ارحام نقش داده و موثر دانسته.

طبقه اول کسانی هستند که بلا واسطه به میت می رسند یعنی مَن ولد المیت (پدر و مادر) و مَن ولده المیت (فرزندان)، طبقه دوم کسانی هستند که یک واسطه می خورند زیرا مثلاً برادر شما بواسطه پدرتان یا بواسطه مادرتان با شما مرتبط است یا مثلاً جد شما بواسطه پدرتان با شما مرتبط است زیرا او پدرتان را بوجود آورده، طبقه سوم کسانی هستند که دو واسطه می خورند زیرا أعمام و أخوال فرزندان جد ابی و اُمی شما هستند لذا دو واسطه می خورند واسطه اول خود جد است و واسطه دوم کسی که آن جد را بوجود آورده، بنابراین اینها طبقات سه گانه ارث بودند که عرضتان رسید، البته در بین این بحث پیش خواهد آمد که مثلاً اگر در اولاد خود ولد نباشد آیا ولد ولد جای ولد می نشیند یا نه و یا اینکه مثلاً اگر إخوة نباشد آیا اولاد إخوة جای آنها می نشیند یا نه، و قاعده "الأقرب يمنع الأبعد" نیز در اینجا جاری خواهد بود که بعداً توضیحاتش را به عرضتان خواهیم رساند إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین

^۱ آیه ۳۲، سوره نساء.